



بررسی نقش مدیریت دانش در توسعه حرفه‌ای معلمان در دوران کرونا

نادر حسین پناهی^۱

چکیده

ماهیت، ویژگی‌ها، کارکردها و ابعاد تدریس به عنوان کنش معلمان، آن را در اولویت قرار داده و رسمیت می‌بخشد. به عبارتی نمی‌توان تدریس را فعالیتی حرفه‌ای تلقی نمود، اما به توسعه حرفه‌ای معلم نیندیشید. هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش مدیریت دانش در توسعه حرفه‌ای معلمان در دوران کرونا است. این نوع مقاله از نوع مقالات مروری و روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای بوده و برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها به مطالعه کتب، مجلات و مقالات مرتبط پرداخته شده است. نتایج پژوهش حاضر بیانگر آن است اگر زمینه‌های پیاده‌سازی مدیریت دانش در مدارس فراهم شود، عملی شدن و پیاده‌سازی مدیریت دانش ممکن خواهد بود. از آنجایی که کلید اجرای مدیریت دانش، خود معلمان هستند، بایستی در ثبت و اشاعه دانش پنهان خود بکوشند و زمینه‌های لازم را برای رشد و توسعه یادگیری‌های خود فراهم سازند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت، دانش، توسعه، حرفه‌ای، معلمان، ویروس، کرونا

بیان مسئله

مدیریت دانش برنامه‌ریزی برای ایجاد و در دسترس قراردادن دانش مورد نیاز سازمان است تا در موقع نیاز در اختیار کارکنان قرار گیرند تا آنان در فعالیت‌های روزانه خود بتوانند بازدهی بیشتری داشته باشند. مدیریت دانش گردآوری تجارب موفق درون سازمان و ثبت و در اختیار گذاشتن آن است و تضمینی برای این موضوع است که سازمان به اندوخته‌های دانشی خود توجه داشته و به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کند این اندوخته در زمان مناسب در اختیار فرد مناسب قرار گیرد (رحیمیان، عباس‌پور و زرین، ۱۴۰۰).

مدیریت دانش، از آموزش نوآورانه و یادگیری اثربخش پشتیبانی می‌کند و معلمان می‌توانند با تحلیل عملکرد دانش‌آموزان، نقاط ضعف و قوت آنها را برای برنامه‌ریزی آموزشی مؤثر تشخیص دهند. سیستم مدیریت دانش در مدارس، با ایجاد کارگروه‌های مطالعه برنامه درسی؛ کسب، تسهیم، ذخیره‌سازی، خلق دانش و محتوای آموزشی را عملی می‌کند و در نتیجه آن، توسعه حرفه‌ای معلمان افزایش می‌یابد. علاوه بر این مدیریت دانش با ایجاد مخزن دانش، پایگاهی برای معلمان فراهم می‌کند تا اطلاعات لازم درباره‌ی پیشرفت تحصیلی و هدایت شغلی دانش‌آموزان را به دست آورند و آنها را در راهنمایی دانش‌آموزان مجهزتر می‌کند. باتوجه به اهمیت روزافزون مدیریت دانش در مدارس، اغلب سؤال می‌شود که چرا مدارس به مدیریت دانش نیاز دارند؟ در پاسخ این پرسش، پژوهشگران بر این باور هستند که توسعه فرهنگ دانش با تشویق و ترویج رفتارهایی مانند تسهیم دانش در برابر ذخیره‌سازی، جستجوی فعالانه و خلق دانش و ایجاد زیرساخت دانش امکان‌پذیر است. مدیریت دانش، فقط یک سیستم فنی نیست، بلکه شبکه ارتباطی میان افراد است که با خلق فضا، زمان و ابزار آنها را به تعامل و همکاری بیشتر تشویق می‌کند (عدلی، ۱۴۰۰).

از نظر Leung (2010) دلایل مهمی برای استقرار مدیریت دانش در مدارس وجود دارد: ۱- تجربه هوش و شایستگی معلمان را حفظ می‌کند و آنها این تجربه‌ها را با دیگران به‌خصوص معلمان تازه‌کار به اشتراک می‌گذارند و به‌این‌ترتیب

^۱ - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه کردستان، معاون پرورشی و تربیت‌بدنی دبیرستان شهید صیاد شیرازی شهرستان دیواندره، استان کردستان، ایمیل: naderhosainpanahi38@gmail.com



بهترین شیوه های تدریس معلمان ضبط و تسهیم می شود. ۲- اثربخشی عمل آموزش و یادگیری در مدرسه را افزایش می دهد. استقرار مدیریت دانش در مدارس فضای کار پروژه را فراهم کرده و خرد جمعی معلمان را توسعه می دهد و به بهبود یادگیری دانش آموزان منجر می شود. ۳- مدیریت دانش از توسعه اجتماعی دانش در مدرسه پشتیبانی کرده و فرهنگ یادگیری سازمانی را گسترش می دهد، به تقویت یادگیری الکترونیکی کمک می کند و دارایی های قانونی و معنوی مدرسه را حفظ و مدیریت می کند. باتوجه به این دلایل مهم ضروری است مدارس، نه تنها به مکانی برای یادگیری، بلکه به فضایی برای توسعه و پیاده سازی مدیریت دانش تبدیل شوند. توسعه حرفه ای معلمان همواره یکی از دغدغه های جدی نظام های آموزشی بوده و در دهه اخیر توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. ارتقای توانمندی معلمان در تدریس برای موفقیت مدرسه بسیار حیاتی است و این موضوع هدف توسعه حرفه ای است. توسعه حرفه ای معلم همان فرایندها و فعالیت های طرح ریزی شده به منظور افزایش دانش، مهارت ها و نگرش های حرفه ای معلمان است؛ با این هدف که به بهبود یادگیری دانش آموزان منجر شود. استقرار مدیریت دانش، زیرساختی برای توسعه حرفه ای پایدار معلم محسوب می شود (عدلی، ۱۴۰۰).

ضرورت مدیریت دانش در توسعه حرفه ای معلمان این است که به پرورش استعدادها، تجارب و دانش و معلمان کمک می کند و باعث یادگیری مداوم که نیازمند رویکردی سیستمی است می شود و در هنگام مواجهه معلمان با انبوه اطلاعات و سازماندهی دانش اهمیت آن مشخص می شود و بر درک مثبت از رشته تحصیلی، باورها و رفتارهای ارتباطی معلمان، ارتقاء مباحث استدلالی در بین دانش آموزان و بهبود رفتار ارتباطی معلمان، بهبود شیوه های استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیریت کلاس مؤثر است.

توسعه حرفه ای معلمان در زمان شیوع کرونا بیشتر نمایان شد و شیوع ویروس کرونا و ضرورت آموزش به صورت غیرحضوری، معلمان را در بستری قرار داده که نیاز به کسب توانمندی های دیگر در زمینه آموزش مجازی احساس می شود. معلم به عنوان مهم ترین رکن برنامه درسی نقش مؤثری بر کیفیت آموزش و تسهیل یادگیری دارد و یکی از عوامل موفقیت نظام های آموزشی است. با شیوع بیماری کووید - ۱۹ تغییراتی در فرایند یاددهی - یادگیری دانش آموزان ایجاد شد و سبب گردید معلمان، به عنوان اصلی ترین عنصر نظام آموزشی در برابر انتظارات و تقاضاهای جدید و غیرقابل پیش بینی مسئولان، اولیاء، و دانش آموزان قرار گیرند. ادامه آموزش مجازی و عدم امکان حضور فیزیکی دانش آموزان در مدرسه، جریان آموزشی را با چالشی جدید مواجه نمود. این روش آموزش، تجربه جدیدی برای خانواده ها و دانش آموزان است و در نتیجه عدم آموزش صحیح همراه با رشد سریع فناوری خطرات جدی تری را نسبت به زمان های گذشته سبب می شود. در اثر چنین فضایی، افزایش مهارت توسعه حرفه ای معلمان ضرورتی غیرقابل اجتناب است و به همین دلیل معلمان بایستی به طور مداوم به دنبال به روزرسانی دانش و مهارت های حرفه ای خود باشند و آن را توسعه و بهبود بخشند (قدرقدر جهرمی، قربانی و ذکاوت بخش، ۱۳۹۹).

اگرچه شیوع ویروس کرونا در کشور ما مشکلاتی را برای نظام آموزشی ایجاد کرده، اما فرصتی برای آزمایش راه حل های آموزشی جدید ایجاد کرده است. با این حال، شرایط دستیابی به آموزش مجازی در زمان شیوع ویروس کرونا به دلایل زمینه های فرهنگی و اجتماعی پیچیده، عدم آمادگی معلمان برای آموزش مجازی، عدم دسترسی به همه زیرساخت ها و تجهیزات، تمایل به برگزاری کلاس های حضوری، عدم امکان استفاده از آموزش مبتنی بر تلفن همراه برای همه گروه های سنی، عدم دسترسی همه به تلفن های هوشمند، سواد رسانه ای ناکافی و قابلیت های تکنولوژیکی، ناتوانی در مجازی سازی همه ی دوره ها و تعداد فراگیران و زمان محدود برای آماده سازی دوره های آنلاین، بسیار پیچیده است و این شرایط فرصتی را فراهم آورده که مدارس به آموزش مجازی روی بیاورند. با وجود این، نگرانی اصلی در مورد بسته شدن مدارس، عدم امکان



پشتیبانی از دوره‌هایی است که کاملاً عملی هستند و نیاز به آموزش و تمرین حضوری دارند. توصیه می‌شود باتوجه به تداوم حضور کرونا و ویروس، مقامات آموزشی و معلمان از تجربه به دست آمده و همچنین نقاط ضعف و قوت در برگزاری کلاس‌های آنلاین مؤثر و موفق در سال تحصیلی جدید بهره‌مند شوند. همچنین، برای رفاه آموزشی دانش‌آموزان، سیستم حمایتی یادگیرنده باید به درستی مورد توجه قرار گیرد. در این راستا، با آموزش معلمان و دانش‌آموزان، می‌توان تعامل در سیستم آموزش مجازی را به طور مناسب آموزش داد (رهبر کرباسدهی و رهبر کرباسدهی، ۱۴۰۰).

باتوجه به شیوع ویروس کرونا و جایگزین شدن آموزش مجازی و غیرحضوری با آموزش سنتی و حضوری، ظرفیت‌های این فضا علاوه بر این فرایند آموزش دانش‌آموزان، بر کارآمدی دبیران نیز تأثیرگذار است. معلمان اطلاعات علمی خود را از منابع و شبکه‌های دانشی مختلفی به دست می‌آورند. تنوع در مفهوم معلم شبکه‌ای منجر به توسعه حرفه‌ای و مداخلات اصلاحی برای مدارس شده است؛ به گونه‌ای که معلم شبکه‌ای در اشکال مختلف جایگزین مؤثر و مکمل برای محتوا و فرایند یاددهی - یادگیری در کارگاه‌های سنتی است برقراری تعامل مربیان در فضای مجازی یکی از ابعاد مهم شبکه‌های است. به گونه‌ای که معلمان آنلاین می‌توانند تحت شرایط خاصی به برقراری ارتباط و ایجاد شبکه‌های متنوع‌تر بپردازند و دسترسی عادلانه‌تری به منابع انسانی و اطلاعات داشته باشد (محمودی بالاگفشه، ۱۳۹۹).

مدیریت دانش این امکان را برای معلمان ایجاد می‌کند که با محتوای الکترونیکی متنوع در دروس مختلف و مواد آموزشی جدید و خلق ایده‌ها و نظرات سازنده معلمان در امر تدریس موفق در کلاس درس آشنا شوند. چگونگی وارد کردن اطلاعات و دانش خلق شده خود را در محیط دانش یاد بگیرند و دوره‌های آموزشی برای ساختن محتوای الکترونیکی و کار با رایانه و اینترنت را فراگیرند تا بتوانند به عنوان افرادی توانا در فرایند مدیریت دانش فعالیت کنند و تدریس کارآمدتری داشته باشند.

وظیفه اصلی مدیریت دانش این است که معلمان بتوانند به خلق دانش سازماندهی دانش، اشتراک دانش و کاربردی کردن آن بپردازند و موجبات رشد و توسعه حرفه‌ای آنان را فراهم سازد. مدیریت دانش ارائه بینش و بصیرتی روشن نسبت به دنیای دانش و تهیه ابزارهای کاربردی برای معلمان در عصر دانش است. برای توسعه حرفه‌ای معلمان باید شبکه‌هایی برای تسهیل به اشتراک گذاری دانش ایجاد شود. این شبکه‌ها می‌توانند به صورت کمیته‌های علمی، کارگروه‌های تخصصی، تیم‌های دانش و مراکز دانش باشند. همچنین ایجاد سیستم مدیریت دانش به طور مؤثری می‌تواند باعث تسهیل یادگیری معلمان از یکدیگر شود که این امر آنها را به معلمان الهام‌بخش تبدیل می‌کند. آموزش و یادگیری می‌تواند به وسیله مدیریت دانش ارتقاء یابد و معلمان با شرکت در فعالیت‌های گروهی مدارس می‌توانند از دانش و تجربیات استفاده کرده و به این ترتیب نیازهای اجتماعی، حرفه‌ای و شخصیتی خود را تأمین نموده و از لحاظ شخصیتی و حرفه‌ای رشد یابند و با اشتراک، انتشار و مدیریت دانش در مدارس باعث بهبود عملکرد یکدیگر شوند. نوآوری را به ارمغان آورند و مدرسه را به یک سازمان یادگیرنده تبدیل کنند که در آن افراد به صورت مستمر مهارت‌ها و توانمندی‌های خود را برای خلق نتایج بهتر توسعه می‌دهند. با یکدیگر همکاری دارند و ایده‌های خود را منتقل می‌کنند و از همدیگر یاد. بهره‌گیری از مدیریت دانش و در پی آن تلاش برای توسعه یادگیری بین معلمان به طور کلی نیاز است (اکبری، آیتی، زارع مقدم و پورشافی، ۱۳۹۶).

با این تفاسیر هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش مدیریت دانش در توسعه حرفه‌ای معلمان در دوران کرونا است و بر همین اساس این سؤال مطرح می‌شود آیا مدیریت دانش در توسعه حرفه‌ای معلمان در دوران کرونا نقشی ایفاء نموده است یا خیر؟



مدیریت دانش

در ادبیات مدیریت دانش برای تعریف این اصطلاح توافقی وجود ندارد. ما تعریفی از مدیریت دانش نداریم؛ بلکه تأکید بر دانش، اطلاعات و تجربه است. کلیه‌ی تعاریف بر چهار فعل به‌کاربردن، تسهیم کردن، خلق کردن و اداره کردن دانش تأکید دارند. تعریف سویبی^۱ از مدیریت دانش به‌عنوان «هنر خلق ارزش از دارایی‌های ناملموس سازمان» درخور توجه است؛ زیرا بر موفقیت سازمان، بر سرمایه انسانی و سرمایه فکری آن تأکید دارد (عدلی، ۱۴۰۰).

مدیریت دانش در مدارس می‌تواند به‌مثابه راهبردی مدیریتی، کسب اشتراک، کاربرد و خلق دانش در مدارس را ممکن سازد و تجربه‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان و کارکنان را برای دستیابی به نوآوری‌های آموزشی توسعه دهد. همچنین با خلق مسیرهای ارتباطی مناسب برای معلمان، بحث پیرامون مسائل مدرسه را فراهم کند و به‌این‌ترتیب معلمان می‌توانند روی بازخورد دیگران؛ بازبینی و تأمل کنند و راهبردهای مؤثرتر و برنامه‌های عملی‌تری را برای بهبود سیاست‌های مدرسه و اثربخشی آموزش توسعه دهند (سمیعی زفرقندی و آقا کثیری، ۱۳۹۶).

مدیریت دانش به معنای در دسترس قراردادن نظام‌مند اطلاعات و اندوخته‌های علمی است، به‌گونه‌ای که به‌هنگام نیاز، در اختیار افرادی که نیازمند آن‌ها هستند، قرار گیرند تا آن‌ها بتوانند کار روزمره خود را با بازدهی بیشتر و مؤثرتر انجام دهند.

توسعه حرفه‌ای معلمان

مفهوم توسعه حرفه‌ای معلمان از اواسط قرن بیستم و با ضرورت یافتن اجرای اصلاحات در نظام‌های آموزشی پدیدار شده است. توسعه حرفه‌ای معلمان نقش حیاتی در فعالیت‌های اصلاحی مدارس دارد؛ بنابراین برای موفقیت کوشش‌های اصلاحی، باید وقت بیشتری به یادگیری معلمان و برنامه‌های توسعه حرفه‌ای آنان اختصاص داد. در اهمیت توسعه حرفه‌ای معلمان می‌توان گفت که معلمان در فعالیت‌های توسعه حرفه‌ای اطلاعات و علم خود را غنی می‌کنند و با همکاران، دانش و اکتشاف جدید انجام داده و تغییراتی را ایجاد می‌کنند و یافته‌های خود را به جامعه‌ی مدرسه ارائه می‌دهند و این به مسئولیت و اعتمادبه‌نفس معلمان می‌افزاید که با سطح آمادگی و تحمل و نوآوری‌های متنوع آنها در ارتباط است و در نتیجه به بهبود عملکرد معلمان و یادگیری دانش‌آموزان و پیشرفت حرفه‌ای خودشان کمک می‌کنند و باعث توانمندسازی معلمان برای بهبود شیوه‌های تدریس می‌شود. معلمان مجهز به توسعه حرفه‌ای روش‌های تازه‌ای را برای برنامه‌ریزی و افزایش توانایی دانش‌آموزان در انجام تکالیف به کار می‌برند و پس از شرکت در دوره‌های آموزشی در برنامه‌های درسی روزانه و برنامه‌های آموزشی بلندمدت خود توانمند می‌شوند (محمد زمانی و رهایی، ۱۴۰۰).

آوالس^۲ توسعه حرفه‌ای را با یادگیری معلمان، یادگیری چگونگی یادگیری و تبدیل دانش به عمل در جهت رشد دانش‌آموزان مرتبط می‌داند. حوزه توسعه حرفه‌ای معلم جنبه‌های مختلف نظیر؛ عقاید، باورهای تربیتی، معرفت‌شناختی و تمامی ابعاد فکری، رفتاری و عملی مربوط به آموزش و تدریس را شامل می‌شود. معلمان ایرانی از ابزارهای سه‌گانه بازیابی اطلاعات؛ تولید و ارائه محتوا و ابزارهای تعاملی در راستای توسعه حرفه‌ای خود بهره می‌گیرند و با استفاده از این ابزارها می‌توانند به توسعه حرفه‌ای در زمینه‌های دانش محتوایی، پداگوژیک و فناوریانه بپردازند. معلمان با استفاده از ابزارهای بازیابی می‌توانند به اطلاعات مورد نیازشان در زمینه‌های مختلف نظیر اطلاعات مربوط به رشته تحصیلی و آخرین تغییرات کتب درسی، اطلاعات مربوط به مسائل تربیتی دانش‌آموزان، شیوه‌های تدریس، شیوه‌های ارزشیابی، روش‌های پژوهش، نظریه‌های یادگیری، آگاهی از وضعیت آموزش و پرورش کشورهای دیگر، دانش فناوری، زمان، مکان و موضوع همایش‌ها و

1- Sveiby

2- Avalos



کارگاه‌های آموزشی حضوری و الکترونیکی دست یابند. معلمان با استفاده از ابزارهای تعاملی می‌توانند تجارب خود را بیان کنند و از نظرات دیگران برای بهبود آنها استفاده کنند؛ فضای مشارکتی ایجاد کنند؛ تفکر انتقادی خود را تقویت کنند؛ مهارت نویسندگی خود را تقویت کنند و مهارت‌های استفاده از ابزارهای واژه‌نگار را بهبود بخشند؛ به تبادل اطلاعات با صاحب‌نظران و همکاران خود بپردازند؛ مهارت گفتگوی خود را تقویت کنند؛ با همکاران و صاحب‌نظران در پروژه‌های مشارکتی فعالیت کنند و به طراحی فعالیت‌های یادگیری فردی و گروهی بپردازند؛ بنابراین معلمان می‌توانند از فضای مجازی به‌عنوان بستری برای توسعه حرفه‌ای خود استفاده کنند (خداویسی و سراجی، ۱۳۹۸).

در سال‌های اخیر، ادبیات توسعه حرفه‌ای معلمان در زمینه اصلاح و توانمندسازی مدرسه بر این باور استوار شده که دلیل عمده یادگیری و موفقیت دانش‌آموزان اثربخشی معلمان است. از طرفی نتایج پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشانگر این است که برنامه توسعه حرفه‌ای مداوم و باکیفیت بالا در توسعه تفکر معلمان و اثربخشی آنان در امر تدریس و یادگیری نقش مهمی دارد. از این رو، لازمه‌ی موفقیت تلاش‌های انجام شده در زمینه‌ی بهسازی آموزش و پرورش، توسعه حرفه‌ای و افزایش دانش و مهارت معلمان است. معلمان به‌منظور دستیابی به اهداف یادگیری علاوه بر پیروی از استانداردهای آموزشی بایستی مهارت و تخصص حرفه‌ای خود را ارتقاء بخشند (جعفری، ابوالقاسمی، قهرمانی و خراسانی، ۱۳۹۶).

مدیریت دانش و ویروس کرونا

در حال حاضر یکی از روندهای مهمی که در اغلب کشورهای جهان تحت تأثیر همه‌گیری ویروس کرونا قرار گرفته، روند توسعه یادگیری الکترونیکی در سازمان‌ها و مراکز آموزشی است. یادگیری الکترونیکی از مفاهیمی است که با رشد و گسترش فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات (ICT)، در حوزه تعلیم و تربیت مطرح شد و توجه بسیاری از سازمان‌ها و مراکز آموزشی را به خود جلب کرده است. با پیشرفت روزافزون فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، یادگیری الکترونیک نیز در حال رشد بود که با شیوع ویروس کرونا این روند با سرعت زیادی، جهش پیدا کرده است و اغلب سازمان‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها برای پیشگیری از شیوع بیشتر ویروس کرونا مجبور به گسترش استفاده از فرایندهای یادگیری الکترونیکی در سازمان خود شده‌اند. به کارگیری مدیریت دانش می‌تواند نقش مهمی در توسعه دانش‌بنیان فرایند یادگیری الکترونیکی و پیامدهای آن از جمله بهبود عملکرد فردی و سازمانی داشته باشد و برخی از چالش‌ها و مشکلات یادگیری الکترونیکی را نیز مدیریت نماید.

یکی از هدف‌های مشترک یادگیری الکترونیکی و مدیریت دانش، ارتقاء یادگیری و انتقال دانش است. اگر فرایندهای مدیریت دانش و ابزارهای آن در فرایند یادگیری الکترونیکی به کار رود و ادغام شود، می‌تواند فراگیران را قادر به شناسایی محتوای مهم دانشی برای یادگیری نموده و مسیر به کاربرد رساندن آن را ترسیم نماید. از جنبه مدیریت دانش، فراگیران جهت کسب دانش باید فرایندهای مدیریت دانش شامل خلق، اکتساب، ذخیره‌سازی، شخصی‌سازی، تسهیم، توزیع، همکاری و به کارگیری دانش را دنبال نمایند (تولایی، ۱۳۹۹).

باتوجه به شیوع ویروس کرونا آموزش طریق فضای مجازی بسیار حائز اهمیت است و به همین دلیل امروز مدیریت دانش و اطلاعات نیازمند یک سری تغییرات در تکنولوژی‌هاست به‌طوری که باید به سمتی حرکت کنیم که در حداقل زمان بتوانیم حداکثر اطلاعات را به فرد ارائه دهیم. برای حرکت به این سمت نیازمند بازنگری جدیدی در حوزه نرم‌افزار، سخت‌افزار و تکنولوژی‌های جدید هستیم و در نتیجه در چنین عرصه‌ای اگر برای اطلاعات طرح و نقشه جمعی وجود داشته باشد و به کارگیری آن منطبق با اهداف معین و هوشمند نباشد، خطرات زیادی جوامع و فرهنگ بشری را تهدید می‌کند.



تکنولوژی‌های جدید مانند فضای مجازی هم فرصت هستند و هم تهدید و چنانچه قبل از ورود این تکنولوژی‌ها نحوه درست استفاده از آنها را یاد بگیریم تبعات منفی آن نیز کمتر خواهد شد (بلیانی، ۱۳۹۹).

شیوع ویروس کرونا فرصت ارزشمندی برای همگانی شدن آموزش الکترونیکی فراهم آورد و موجب شد تا دانشگاه‌ها، مدارس و مؤسسات آموزشی به شکل حداکثری از ظرفیت‌های تربیتی این محیط برای استمرار آموزش‌های خود بهره گیرند. از طرفی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی در طراحی و اجرای یادگیری الکترونیکی در این شرایط کرونایی با مسائل و چالش‌های متعدد و متنوعی رو بودند. یافتن راه‌حل برای این مسائل و چالش نیازمند اتخاذ رویکرد بین‌رشته‌ای و بسط تعامل بین پژوهشگران و صاحب‌نظران عرصه‌های مختلف مانند تعلیم و تربیت، مدیریت، فناوری اطلاعات و ارتباطات، علوم اجتماعی، علوم شناختی، جامعه‌شناسی و سایر رشته‌های مرتبط است. کرونا انقلابی را در آموزش، به‌ویژه آموزش مجازی سبب خواهد شد و بزرگ‌ترین پیامد بالقوه و مثبت کرونا جهش و کشتی است به سمت مفهوم‌سازی و درونی کردن تکنولوژی‌های پیشرفته آموزش عالی که در بخش‌های مختلف آموزش و پرورش دانشگاهی از جمله کلاس‌های درس به کار گرفته می‌شود؛ بنابراین کرونا برای نظام آموزشی ایران نه‌تنها یک بحران نیست، بلکه یک فرصت است فرصتی که می‌تواند در خدمت بازنگری و افق‌گشایی در ساختارها فرایندهایی باشد که نظام آموزشی را از ماهیت اصلی خویش دور کرده است (خورسندی طاسکوه، ۱۳۹۹: ۳۴۶-۳۴۷).

تعامل نظام آموزشی با آموزش الکترونیکی موجبات شکل‌گیری تجربیات و درس‌آموخته‌هایی در سطح فردی، سازمانی و ملی شده است. کاربست این آموخته‌های دانشی و اجرایی‌سازی تجربیات موفق در بهبود و ارتقای سطح آموزش الکترونیکی می‌تواند ارزش‌افزوده قابل‌توجهی را برای نظام آموزشی و کل کشور به ارمغان بیاورد. قاعدتاً بخشی از ارزش‌های خلق شده به تسریع سازگاری نظام آموزشی با آموزش الکترونیکی، کاهش خطاها، ارتقای اثربخشی آموزش، افزایش هم‌افزایی و در نهایت شکل‌گیری فرهنگ پشتیبان از کاربست اثربخش فناوری‌های نوین در امر آموزش مربوط می‌شود. بخش دیگری از ارزش‌آفرینی به سطوح خرد و تجربه‌ی کاربری شهروندان در تعامل با محیط‌های آموزشی برمی‌گردد که به‌صورت روزافزون با آن در ارتباط هستند. از تلفیق ارزش ایجاد شده برای شهروندان و سازمان‌های درگیر در امر آموزش می‌توان ره‌توشه‌ای برای تکمیل سفر نظام آموزشی به‌سوی مردمی‌سازی هر چه بیشتر آموزش و بسترسازی برای آموزش سفارشی شده قرن بیست و یکمی اندوخت و به کاربست (حسن‌زاده، ۱۳۹۹: ۴۳).

پیشینه تحقیق

درخصوص مدیریت دانش و توسعه حرفه‌ای معلمان، پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. از مطالعات انجام شده در این حوزه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

یافته‌های پژوهشی زینی‌وندنژاد و نویدی (۱۴۰۰) با عنوان استفاده از سامانه شاد و تدریس تلویزیونی در دوره شیوع کرونا: کاستی‌ها و چون‌وچراها نشان داد که محققان در برخی از مطالعات، تجارب زیسته‌ی معلمان را در طول تعطیلی مدارس به علت شیوع بیماری کووید - ۱۹ گزارش کرده‌اند.

یافته‌های پژوهش برمکی کردکلائی، اسدی تپه‌سری و قربانی ولیک چالی (۱۳۹۹) حاکی از آن است که کاهش وقت و هزینه برای دولت و خانواده‌ها، افزایش دانش معلمان، استمرار فرایند یادگیری و یاددهی، تغییر رویه آموزش از سنتی و حضوری به مدرن و مجازی، تحقق ابعاد متعدد ارزشیابی، توانمندسازی دانش‌آموزان و معلمان با توجه به نیازهای جامعه، ایفای نقش راهبری معلم و جلب مشارکت اولیاء، بسط و توسعه عدالت آموزشی برای همه‌ی اقشار، تقویت انگیزه متقابل در معلمان و دانش‌آموزان، کنترل مستمر کیفیت مطالب آموزشی (قبل، حین و پس از آموزش)، واقع‌نمایی بیشتر به کمک



قابلیت های فناوری و اخذ بازخورد فوری از آموزش از مهم ترین فرصت های فناوری و آموزش الکترونیکی برای آموزش نظام آموزشی در زمان شیوع ویروس کرونا است که می تواند موجب موفقیت و اثرگذاری مطلوب و آن گردد.

حسینیان، نیلی و شریفیان (۱۳۹۹) با بررسی تطبیقی ابعاد برنامه های توسعه حرفه ای معلمان ابتدایی در کشورهای ایران، آمریکا، مالزی، ژاپن، انگلستان و فنلاند دریافتند که شباهت ابعاد برنامه توسعه حرفه ای در کشورهای منتخب شامل تاکید همه کشورها بر ابعاد ارتقای دانش تعلیم و تربیت و دانش محتوایی موضوعی، خودکارآمدی و عزت نفس حرفه ای، نگرش و کارآمدی حرفه ای، تسلط در زمینه برنامه ریزی درسی، روش های تدریس و ارزشیابی، یادگیری مادام العمر و یادگیری تجربی بوده است. مواردی همچون تأکید کشورهای منتخب بر سواد انسان شناسی و توجه محدود کشور ایران به این حوزه، تأکید کشورهای منتخب به صورت مستقیم بر رشد مهارت های فردی و اجتماعی در این دوره ها و همچنین متمرکز شدن کشورهای منتخب بیش از ایران بر بعد آموزش مهارت های برنامه ریزی، هدایت، ارزیابی، روش های تدریس و مدیریت کلاس در این دوره ها تفاوت بین کشورها را نشان داد با بررسی تطبیقی دوره های رشد حرفه ای استنباط می شود که مهم ترین ویژگی های سازنده مطلوب عبارتند از: تلفیق آموزش و پژوهش، پرورش مهارت های شناختی و روان شناختی؛ یادگیری مادام العمر و تسهیم دانش و فراهم کردن زمینه مناسب برای رشد تأمل و بوده است. بیشتر معلمان در برخی از مهارت های اساسی تدریس با مشکل مواجه اند (زابلی، مالمون و حسینی، ۱۳۹۳؛ بانسی و همکاران، ۱۳۹۲) مهارت هایی مانند کاربرد روش های خلاق تدریس، مهارت در استفاده از ابزارهای آموزشی، فعال کردن دانش آموزان در ارزشیابی، تشویق دانش آموزان به انجام کارهای ابتکاری و خلاقانه، مرتبط کردن مطالب درسی به سایر دروس و تجارب واقعی روزمره دانش آموزان و از مهارت لازم برخوردار نیستند. نتایج نشان می دهد که دوره ها معمولاً محدود، فشرده و بی انسجام است. یافته ها به صورت غیرمستقیم با یافته های نادری و همکاران (۱۳۸۹) همسو است؛ اما پژوهش فارسی، ناطقی و سیفی (۱۳۹۵) با پژوهش حاضر همسو نیست. همچنین جنبه ی قوی برنامه ها از یک سو و درگیر کردن دانش آموزان در زیرساخت آموزش و پرورش کشورهایی چون ژاپن، آمریکا، انگلستان و فنلاند دلیل این اختلاف با وضعیت این برنامه های در ایران است. رشد حرفه ای به عنوان فرایند بسط دهنده مهارت های روان شناختی و اجتماعی درک شده است؛ بنابراین مهارت های حرفه ای در کیفیت برگزاری این دوره ها بسیار مؤثر است. یکی از ابعاد مهم برنامه ها مهارت های فردی است. این یافته با نتایج عبدالمی و دبغیان (۱۳۹۰) در یک راستا قرار دارد. در نتیجه باید در تدوین و اجرای برنامه ها مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

یافته های طرح پژوهشی اسماعیلی، سامری و حسینی (۱۳۹۸) با عنوان تأثیر شرایط سازمانی مدرسه، ادراک رهبری و انگیزش معلمان بر بهبود فعالیت تدریس با میانجیگری توسعه حرفه ای معلمان ابتدایی نشان داد اثر مستقیم توسعه حرفه ای و انگیزش معلم بر تدریس معنادار است. اثر مستقیم ادراک رهبری و شرایط سازمانی مدرسه بر تدریس معنادار نیست. اثر غیرمستقیم انگیزش معلم، ادراک رهبری و شرایط سازمانی مدرسه با میانجیگری توسعه حرفه ای بر تدریس معنادار است. بر اساس یافته های تحقیق می توان نتیجه گرفت به منظور بهبود تدریس در مدارس می توان با ایجاد انگیزش، سبک رهبری مناسب و بهبود شرایط سازمانی مدرسه هرچه بیشتر در توسعه حرفه ای معلمان کوشا بود تا بتوان فعالیت تدریس را در مدارس بهبود بخشید.

صفری، عبدالمی، نوه ابراهیم و زین آبادی (۱۳۹۷) ضمن پژوهشی با عنوان بررسی و تبیین پیشایندهای رشد حرفه ای همکارانه در سازمان های آموزشی به این نتیجه رسیدند که عوامل مؤثر در رشد حرفه ای مبتنی بر همکاری معلمان شامل: عامل مدیریتی با مقوله های «دانش در زمینه کار گروهی»، «اخلاق حرفه ای»، «باور به کار تیمی» و «حمایت و پشتیبانی»، عامل ساختاری با مقوله های «الزامات زمینه ای (تسهیلگر/ حمایتی)» و «الزامات فرایندی (تصمیم گیری، کنترل و روابط)»، عامل فرهنگی با مقوله های «ارزش ها و هنجارها»، «اهداف و مأموریت مشترک» و «روحیه جمع گرایی» و عامل



معلمان با مقوله های «ویژگی های رفتاری و شخصیتی»، «داشتن تفکر جمعی و زمینه اجرایی آن» و «مهارت های ارتباطی» است. یافته های این پژوهش اهمیت توجه به عوامل مؤثر در رشد حرفه ای همکارانه را در سازمان های آموزشی مورد تأکید قرار می دهد.

حسینی، آیتی و شکوهی فرد (۱۳۹۷) با بررسی تأثیر سامانه مدیریت دانش بر توسعه حرفه ای معلمان پایه ششم شهرستان بیرجند دریافته اند که استقرار این سامانه، به افزایش توسعه حرفه ای معلمان منجر می شود.

نتایج پژوهش اکبری و همکاران (۱۳۹۶) بیانگر آن است که فرایند مدیریت دانش بر حوزه فرایندی یادگیری مادام العمر معلمان تأثیر مثبت و معناداری دارد. یافته های این پژوهش با یافته های پژوهش ژائو^۱، پالین و ژائو^۲، کائو و گائو^۳ تقریباً همسو است. همچنین ژائو و همکارانش معتقدند که توانمندی در مدیریت اثربخش دانش، جذب دانش سودمند، به کارگیری ماهرانه فناوری های تخصصی، بازبانی دانش موجود در کتابخانه خویش، اشتراک آن با سایرین و بهره گیری همزمان از دانش سایرین؛ موجب نیل به نتایجی همچون برخورداری از مطالعه خوب، سواد اطلاعاتی و درنهایت تبدیل شدن به یک فراگیر مادام العمر مستقل می شود.

نتایج حاصل از تحقیق خان عزیزی و طالع پسند (۱۳۹۶) بیانگر آن است که به کارگیری دانش بر ظرفیت یادگیری فردی اثر مستقیم دارد. این یافته با مطالعات قبلی همسو است (جورابچی و دیگران، ۱۳۸۸؛ هوشمند و دیگران، ۱۳۹۳؛ چنگ^۴، ۲۰۰۸). در واقع انتظار نیز این است که دانش و اطلاعات به دست آمده توسط معلمان در موقعیت های واقعی آموزش مورد استفاده قرار گیرد. یک معلم می بایست در تمامی مراحل اجرای آموزش و تدریس (طرح تدریس، فعالیت های کلاسی و ارزشیابی)، تصمیم گیری ها و اقدامات از دانش و اطلاعات موجود برای اصلاح و تغییر در رفتار حرفه ای استفاده نماید. تحقق این امر، موجب تقویت ظرفیت ها و قابلیت های شغلی شده و فعالیت های آتی او را نیز تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. بدیهی است معلمان دارای ظرفیت یادگیری بالا می کوشند تا توانایی هایشان را به صورت مداوم به روز کنند. یافته دیگر پژوهش بیانگر این است که تسهیم دانش بر ظرفیت یادگیری فردی دارای اثر مستقیم است. این یافته با نتایج برخی مطالعات (جورابچی و دیگران، ۱۳۸۸؛ چنگ^۵، ۲۰۱۲؛ گاندهی^۶، ۲۰۰۴) همسو و برخی مطالعات دیگر (عبدالحمید، ۲۰۰۸؛ سوان، نیوول و رابرتسون^۷، ۲۰۰۰) همسو نیست. تبیین های ارائه شده در زمینه عدم همسویی مطالعات اخیر، حکایت از آن دارد که معلمان نسبت به اشتراک گذاری دانش و اطلاعات خود با دیگران علاقه و انگیزه کمی داشته و در پاره ای اوقات حتی در برابر نشر آن مقاومت می کنند. طرز تلقی این دسته از معلمان، غالباً ناشی از آن است که دانش کسب شده در کار برای آنها جنبه انحصاری داشته و به عنوان امتیازی برای بهبود موقعیت حرفه ای باید در اختیار آنها باقی بماند و بایگانی شود. به عقیده بسیاری از صاحب نظران، تسهیم و اشتراک دانش به عنوان مهم ترین جنبه فرایندهای مدیریت دانش مطرح است؛ به عبارت دیگر، تبادل افکار، تجارب و دانش و برقراری جلسه و گفتگو حرفه ای بین معلمان موجب خواهد شد تا معلمان توانمندی های تدریس خود را به صورت مداوم به روز کنند و آمادگی لازم را جهت پذیرش تغییرات و شیوه های نوین آموزشی به دست آورند. هدف اصلی مدیریت دانش در هر سازمانی تبدیل دانش شخصی به دانش جمعی است.

- 1- Zhao
- 2- Pauleen
- 3- Zhao, Cao & Guo
- 5- Cheng
- 6- Gandhi
- 7- Swan, Newell, & Roberston



خدیوی، سلیمانی و ترابی نهاد (۱۳۸۹) نشان داد اگر مدیریت دانش در مدارس درست اجرا شود، می تواند معلمان را قادر سازد تا مجموعه ای از شیوه ها و راهبردهای دانش را برای گردآوری اطلاعات و اشتراک آنها توسعه دهند و در نهایت بازده تدریس و یادگیری و ظرفیت یادگیری مدرسه را بهبود بخشند. معلمان با ظرفیت یادگیری بالا به طور مداوم توانایی هایشان را به روز می کنند. آنها مایل اند خود را با روش ها یا تغییرات جدید تدریس هماهنگ نمایند؛ اما ظرفیت یادگیری فردی بالا تضمین کننده ظرفیت یادگیری سازمانی توسعه یافته نیست؛ زیرا گردآوری محض دانش شخصی تک تک اعضاء منجر به یادگیری به هم پیوسته و منسجم نمی شود.

Iseuzzi et al (2020) با بیان این که در شرایط همه گیری ویروس کرونا، راهبردهای مدیریت دانش به مؤسسات آموزشی جهت مقابله با این بحران کمک می کند، سه عنصر مؤثر برای کاربرد آن را شناسایی کردند که عبارت اند از: نقش راهنمایی مدیران مدرسه، ساختارهای پشتیبانی که به حفظ فعالیتهای و خدمات کمک می کنند و زیرساخت های فناوری اطلاعات و ارتباطات که امکان آموزش و مدیریت کارهای اداری از راه دور را فراهم می سازند.

Ammirato et al (2020) با بررسی مشکلات توسعه حرفه ای معلمان دریافتند که راهبردهای مدیریت دانش برای بهبود توسعه حرفه ای معلم شامل این موارد می شود: تغییر سازمانی مدرسه و رهبران دانش، ایجاد فرهنگ یادگیری در مدرسه و طراحی ساختار یادگیرنده، ایجاد سیستم مدیریت دانش برای توسعه حرفه ای معلم، ترویج یادگیری تیمی، آموزش همکاری و اشتراک دانش، ایجاد مکانیزم ارزیابی عملکرد برنامه های اثربخش.

به نظر برخی محققان (Parczewska (2020 ارزش افزوده ی تجارب زیسته عامل اصلی پذیرش فناوری در آموزش است. همچنین این تجارب به علت تغییرات تحمیل شده در تدریس، چشم اندازی را ایجاد می کند که ممکن است به کاربردهای برای توسعه ی حرفه ای در آموزش معلمان در خصوص دیجیتالی سازی منجر شود. همه گیری کووید - ۱۹ باعث شد بسیاری از آموزگاران به صورت برخط تدریس کنند که این موضوع مستلزم فرصتهایی برای آموزش دوباره ی معلمان و مؤسسات آموزشی بود. این دوره ی انتقال از تدریس معمول به تدریس از راه دور، توسعه حرفه ای اورژانسی معلمان در حوزه ی دیجیتالی سازی را در پی داشت؛ هرچند تلفیق تکنولوژی در فرایند یاددهی - یادگیری همواره هدف مؤسسات آموزشی در سطح بین المللی بوده است. به علت وضعیت بی سابقه ی همه گیری کووید - ۱۹، برنامه های توسعه ی حرفه ای معمول کارکرد ندارند؛ بنابراین ادعای آموزش گسترده باهدف تلفیق فناوری در تدریس در شرایط فعلی بی مورد است. در این دوره، به رغم اینکه محیط های یادگیری دیجیتالی اکثر مؤسسات آموزشی کاملاً آماده نبود آموزگاران وادار شدند که تدریس از راه دور را در مدتی کوتاه انجام دهند. معلمانی که گاهی اوقات برای پرداختن به چنین محیط هایی کمبود شایستگی های اجتماعی - عاطفی داشتند فشار زیادی متحمل شدند. با وجود تجارب منفی معلمان از آموزش های برخط مانند کمبود تعامل، فشار زمانی، نداشتن مهارت کافی، زیاد شدن حجم کاری، منابع محدود، دشوار بودن نظارت بر دانش آموزان، کاهش کیفیت، امکانات محدود، آشنا نبودن با روش ها، امکان تقلب دانش آموزان در آزمون، نفوذ به حریم خصوصی و انعطاف پذیری کمتر، برخی از تجارب مثبت معلمان نیز افزایش یافت که در این میان می توان به موارد ذیل اشاره کرد: توسعه ی حرفه ای، واکنش به موقعیت اورژانسی، نوآوری در سازمان ها، ارزیابی دوباره ی روش ها، خلاقیت افزایش یافته، آگاهی از امکانات، مشارکت با همکاران، مالکیت افزایش یافته دانش آموز، کارایی بیشتر، متفاوت سازی، تمرکز بیشتر، تعامل، اثربخشی بیشتر، و آمادگی برای آینده (زینی وندنژاد و نویدی، ۱۴۰۰).

Hyseni Duraku & Hoxha (2020) در پژوهش خود با عنوان «تأثیر کووید - ۱۹ بر آموزش و رفاه معلمان، والدین و دانش آموزان: چالش های مربوط به یادگیری از راه دور (آنلاین) و فرصتهایی برای ارتقای کیفیت آموزش»



نگرانی‌های دانش‌آموزان، والدین و معلمان کوزوو را بررسی کرده است و آمادگی و انگیزه معلمان را برای ارتقای دانش و مهارت‌های خود و نیز مشارکت باهدف ارتقای کیفیت آموزشی را تأیید می‌کنند (عزیزی و حسینی‌نژاد، ۱۴۰۰).

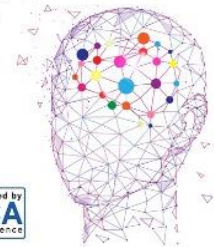
کینت، گیجبلز، گراسمانز و دانچ^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان رشد حرفه‌ای روزافزون معلمان: راهکاری برای فعالیت‌های یادگیری غیررسمی، پیش‌داوری‌ها و پیامدهای یادگیری به این نتیجه رسیدند که یادگیری حرفه‌ای، مشارکت برای یادگیری و مهارت در فهم جمعی دانش‌آموزان، مؤلفه‌های رشد حرفه‌ای معلمان بودند. علاوه‌برآن ون دریل و بری^۲ (۲۰۱۲) ضمن پژوهشی با عنوان رشد حرفه‌ای معلمان مدرسه با تمرکز بر محتوای دانش‌آموزی به این نتیجه رسیدند که دانش موضوعی و دانش تربیتی از جمله عناصر تأثیرگذار در رشد و توسعه حرفه‌ای معلمان است. در پژوهشی دیگر هانتلی^۳ (۲۰۰۸) سه مشخصه دانش، عمل و تعهد حرفه‌ای را مؤلفه‌های مؤثر بر رشد حرفه‌ای معلمان می‌داند. باب، بریکلمنز، کورتاجن و ووبلز^۴ (۲۰۰۵) ضمن پژوهشی با عنوان کیفیت الزامات برای معلمان به این نتیجه رسیدند که پنج عامل دانش تخصصی، ارتباطات، سازماندهی، پداگوژی و صلاحیت رفتاری جزء عوامل مؤثر بر رشد حرفه معلمان بودند (غلامی نوقاب، پورشافعی و شاه‌طالبی حسین‌آبادی، ۱۳۹۸).

یافته‌های پژوهش Chu et al (2011) نشان می‌دهد که از نظر معلمان، به‌اشتراک‌گذاری دانش، افراد، فرهنگ و ذخیره دانش با پشتیبانی فناوری اطلاعات اهمیت دارد. بیشتر مصاحبه‌شوندگان این پژوهش بر این باورند که مدیریت دانش می‌تواند به بهبود عملکرد آنها کمک کند؛ اما به پشتیبانی در ابعاد مختلف مانند افراد، فرهنگ، فناوری اطلاعات و مدیریت نیاز دارد (عدلی، ۱۴۰۰).

استنباط نگارنده از پژوهش حاضر این است که استقرار مدیریت دانش در مدارس استقرار به آموختن و یادگیری را به همراه دارد. اگر نظام‌های مدیریت دانش به‌درستی مستقر شوند، برای بقاء و رشد، پیوسته به یادگیری نیاز دارند به‌رغم پژوهش‌های انجام شده که به آنها اشاره شد، هنوز پرسش‌های زیادی درباره استقرار مدیریت دانش در دانشگاه‌ها و مدارس وجود دارد. بر اساس یافته‌های حاصل از مطالعه ادبیات مدیریت دانش در ایران و مجلات و پایگاه‌های تخصصی وجود چهار مؤلفه رهبری دانش، فرهنگ دانش‌دوست، طراحی ساختار دانش‌بنیان و فناوری پیشرفته در مدارس به‌منظور استقرار مدیریت دانش برای توسعه حرفه‌ای معلمان ضروری است. این مؤلفه‌ها امکان تبادل و تعامل را میان معلمان افزایش می‌دهند و زمینه را برای گفتگوی اثربخش فراهم می‌کنند که برای خلق و انتقال دانش حیاتی است.

باتوجه به این دلایل مهم، ضروری است مدارس، نه‌تنها به مکانی برای یادگیری، بلکه به فضایی برای توسعه و پیاده‌سازی مدیریت دانش تبدیل شوند؛ بنابراین لازم است تا مدارس و مؤسسات آموزشی با خلق یک سیستم مدیریت دانش با استفاده از تکنولوژی‌های نوین در کشف، آزمایش و انجام عملیات به‌وسیله همکاری و تسهیل در خلق و تسهیم دانش، کیفیت آموزشی و فراگیری را در مقایسه با روش‌های سنتی بهبود بخشند. فرایندهای مدیریت دانش در مدارس می‌توانند به‌عنوان عواملی تأثیرگذار، ظرفیت‌های موجود یادگیری را در سطح فردی و سازمانی (معلمان و سایر عوامل انسانی) تقویت نموده و محیط آموزش را به مجموعه‌ای کارآمد و پویا تبدیل نمایند. معلمان نمونه‌های خوبی از مدیران دانش هستند.

1- Kyndt, Gijbels, Grosemans & Donche
 2- Van Driel & Berry
 3- Huntly
 4- Bob, Brekelmans, Korthagen & Wubbels



روش تحقیق

این نوع مقاله از نوع مقالات مروری و روش تحقیق در این مقاله کتابخانه‌ای بوده و برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها به مطالعه کتب، مجلات و مقالات مرتبط پرداخته شده است.

نتیجه گیری

در مدارس یکی از عوامل اساسی موفقیت توجه به موضوع مدیریت دانش و یادگیری معلمان است؛ بنابراین تأکید و توجه با این امر مهم از جهت توانا شدن معلمان به منظور شرکت در تصمیم‌گیری‌ها، تأثیر در یادگیری دانش‌آموزان، توان برقراری ارتباط مؤثر بسیار اهمیت دارد. از آنجایی که تغییرات و اصطلاحات باید از اساسی‌ترین و حساس‌ترین فرایندهای سازمانی صورت پذیرد، لذا به کارگیری مدیریت دانش در آموزش و پرورش به طور عام و در مدرسه به طور خاص از اهمیت بالایی برخوردار است. امروز باید نخستین تغییرات در سیستم‌های آموزش و پرورش رخ دهد تا در آینده شاهد نتیجه این تغییرات در نوآوری سازمانی باشیم. علی‌رغم وجود ادبیات بسیار زیاد در خصوص مدیریت دانش در محیط‌های صنعتی، مفهوم مدیریت دانش مدارس تقریباً یک موضوع ناشناخته است. به همین خاطر گرایش‌های آگاهانه مدارس به مدیریت دانش زمینه‌های رهایی آنان را از ساختارهای دیوانسالارانه سنتی و روی آوردن به نظام جدید مدیریت در جهان فراهم می‌سازد. به‌رغم توجه خاصی که موضوع یادگیری می‌شود، مدارس و نیروی انسانی شاغل در محیط‌های آموزشی به‌صورت خیلی ناچیز دانش خود را در میان افراد تقسیم می‌نمایند.

اگر زمینه‌های پیاده‌سازی مدیریت دانش در مدارس فراهم شود، عملی شدن و پیاده‌سازی مدیریت دانش ممکن خواهد بود. از آنجایی که کلید اجرای مدیریت دانش، خود معلمان هستند، بایستی در ثبت و اشاعه دانش پنهان خود بکوشند و زمینه‌های لازم را برای رشد و توسعه یادگیری‌های خود فراهم سازند.

منابع

اسماعیلی، الهام؛ سامری، مریم؛ و حسنی، محمد. (۱۳۹۸). تأثیر شرایط سازمانی مدرسه، ادراک رهبری و انگیزش معلمان بر بهبود فعالیت تدریس با میانجیگری توسعه حرفه‌ای معلمان ابتدایی. *فصلنامه رویکردهای نوین آموزشی*، ۱۴(۲)، ۱۰۸-۱۲۸

اکبری، نرگس؛ آیتی، محسن؛ زارع مقدم، علی؛ و پورشافعی، هادی. (۱۳۹۶). تأثیر فرایند مدیریت دانش بر سواد یادگیری مادام‌العمر دبیران زبان دوره دوم متوسطه. *فصلنامه فناوری آموزش*، ۱۲(۲)، ۱۳۵-۱۴۳

برمکی کردکلائی، الهام؛ اسدی تپه‌سری، میترا؛ و قربانی ولیک چالی، ساره. (۱۳۹۹). بررسی فرصت‌های فناوری و آموزش الکترونیکی در موفقیت نظام آموزشی. *فصلنامه گیتی چکاد*، ۱(۱)، ۷-۱۹

بلیانی، سعید. (۱۳۹۹). تحلیلی بر تولید محتوا و آموزش دروس جغرافیا در شرایط کرونا. *فصلنامه گیتی چکاد*، ۱(۱)، ۸۹-۱۰۰

تولایی، روح‌الله. (۱۳۹۹). چرخه مدیریت دانش سازمانی در پدیده چندوجهی کرونا. *فصلنامه مدیریت راهبردی دانش سازمانی*، ۳(۸)، ۱-۴

جعفری، حسن؛ ابوالقاسمی، محمود؛ قهرمانی، محمد؛ و خراسانی، اباصلت. (۱۳۹۶). الگوی توسعه حرفه‌ای معلمان ابتدایی: مطالعه موردی مدارس استثنایی گروه کم‌توان ذهنی شهر تهران. *فصلنامه روان‌شناسی افراد استثنایی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۷(۲۵)، ۷۳-۹۲



حسن زاده، محمد. (۱۳۹۹). چهارچوبی برای مدیریت دانش آموزش الکترونیکی در وضعیت بحرانی: مورد همه گیری کرونا. چالش های یادگیری الکترونیکی در آموزش عالی همدان دانشگاه بوعلی سینا. مجموعه مقالات چالش های یادگیری الکترونیکی در آموزش عالی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۴۲-۴۴

حسینی، سیده ملیحه؛ آیتی، محسن؛ و شکوهی فرد، حسین. (۱۳۹۷). تأثیر سامانه مدیریت دانش بر توسعه حرفه ای معلمان پایه ششم ابتدایی شهرستان بیرجند. فصلنامه توسعه ای حرفه ای معلم، ۳(۱)، ۱-۱۷

حسینیان، بنت الهدی سادات؛ نیلی، محمد؛ و شریفیان، فریدون. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی ابعاد برنامه های توسعه حرفه ای معلمان ابتدایی در ایران و کشورهای منتخب. فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی، ۱۶(۳)، ۷۳-۹۰

خان عزیزی، محمد؛ و طالع پسند، سیاوش. (۱۳۹۶). رابطه راهبردهای مدیریت دانش با ظرفیت های یادگیری فردی و سازمانی. فصلنامه پژوهش در نظام های آموزشی، ۳۷، ۱۱۱-۱۳۰

خداویسی، سارا؛ و سراجی، فرهاد. (۱۳۹۸). توسعه حرفه ای معلمان با استفاده از فضای مجازی: مطالعه پدیدارشناسانه معلمان شهر همدان. فصلنامه فناوری آموزش، ۱۴(۲۱)، ۱۱۰-۱۲۱

خوهرسندی طاسکوه، علی. (۱۳۹۹). مفهومی سازی «آموزش عالی مجازی پیشرفته» در عصر پساکرونایی. مجموعه مقالات جستارهایی در آموزش عالی، علم و بحران کرونا در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ۳۴۱-۳۴۹

رحیمیان، حمید؛ عباس پور، عباس؛ و زرین، حمیدرضا. (۱۴۰۰). طراحی الگوی استقرار مدیریت دانش در مدرسه. فصلنامه مدیریت راهبردی دانش سازمانی، ۴(۱۳)، ۱-۲۹

رهر کرباسدهی، فاطمه؛ و رهر کرباسدهی، ابراهیم. (۱۴۰۰). آموزش مجازی دانش آموزان طی همه گیری کرونا ویروس ۲۰۱۹: معضلات و راهکارها. فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد، ۱۶(۳)، ۲۲۴-۲۲۵

زینی وندنژاد، فرشته؛ و نویدی، احمد. (۱۴۰۰). استفاده از سامانه شاد و تدریس تلویزیونی دوره شیوع کرونا: کاستی ها و چون و چراها. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۲۰(۷۸)، ۷-۳۴

سمیعی زفرقندی، مرتضی؛ و آقا کثیری، ندا. (۱۳۹۶). سهم سرمایه فکری و مدیریت دانش در یادگیری معلمان. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۳۵، ۸۷-۱۰۴

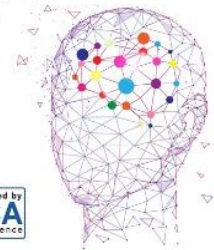
صفری، اکرم؛ عبداللهی، بیژن؛ نوه ابراهیم، عبدالرحیم؛ و زین آبادی، حسن رضا. (۱۳۹۷). بررسی و تبیین پیشایندهای رشد حرفه ای همکاران در سازمان های آموزشی. فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۹(۳)، ۲۶۹-۲۹۰

عدلی، فریبا. (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه های کلیدی جهت استقرار مدیریت دانش به منظور توسعه حرفه ای پایدار معلمان. فصلنامه پژوهش در تربیت معلم، ۲(۸)، ۱۰۹-۱۳۵

عزیزی، زینب؛ و حسینی نژاد، حسین. (۱۴۰۰). فرصت ها و تهدیدهای آموزش مجازی در دوران پاندمی کرونا: یک مطالعه پدیدارشناسی. فصلنامه فناوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی، ۱۲(۲)، ۱۵۳-۱۷۲

غلامی نوقاب، محمدحسین؛ پورشافعی، هادی؛ و شاه طالبی حسین آبادی، بدری. (۱۳۹۸). بررسی مؤلفه های مؤثر بر رشد حرفه ای معلمان. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، ۱۲(۱)، ۱۶۷-۱۸۱

قدرقدر جهرمی، بهنوش؛ قربانی، مریم؛ و ذکاوت بخش، لیلیا. (۱۳۹۹). مطالعه موردی توسعه حرفه ای معلمان استان فارس در بستر آموزش مجازی و بیماری کووید-۱۹، همایش ملی آموزش در دوران همه گیری کرونا، شیراز، قابل دسترس در <https://civilica.com/doc/1378126>



محمد زمانی، راضیه؛ و رهایی، علی. (۱۴۰۰). چگونه توانستیم توسعه حرفه‌ای معلمان را در دوران دنیاگیری بیماری کرونا ارتقاء دهیم؟ اقدام پژوهی معلمان دبستان خیام شهرستان شهرضا. *فصلنامه توسعه‌ی حرفه‌ای معلم*، ۶(۱)، ۱۰۷-۱۱۹

محمودی بالا گفشه، محمد. (۱۳۹۹). تبیین تأثیر توسعه فضای مجازی در کارآمدی دبیران آموزش و پرورش. *فصلنامه گیتی چکاد*، ۱۱(۱)، ۴۵-۵۶